

ساختمانِ خطِ تاجیکی

حبیب برجیان

منظور از خط تاجیکی خطی است با الفباهای لاتینی و سیریلیک که در شصت هفتاد سال اخیر زبان فارسی در جمهوری تاجیکستان به آن کتابت می‌شده است. طی سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۴۰، خط لاتینی و، سپس، خط سیریلیک (روسی)، در جمهوری تاجیکستان، به رسمیت شناخته شد و به کار رفت. در سال‌های پس از استقلال (۱۹۹۱)، این نظر پیدا شد که خط فارسی جانشین خط روسی شود؛ اما، به‌رغم کوشش هواداران آن، خط سیریلیک هم‌چنان رایج و متداول است.^۱

تفاوت دو خط لاتینی و سیریلیک تاجیکی در شکل حروف الفباست، وگرنه این دو خط در ساختار فرق اساسی با هم ندارند. در خط سیریلیک تاجیکی دو تجدید نظر در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۷۳ صورت گرفت^۲ که بیشتر، بر پیوسته یا جدانویسی برخی کلمات و عبارات ناظر بود تا بر اصول کلی خط.

در مقاله حاضر ساختمان و ویژگی‌های خط تاجیکی در مقایسه با خط فارسی

۱) ← مقاله نگارنده: «تجربه تاجیکستان در تغییر خط فارسی»، ایران‌شناسی: ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰-۱۸۲؛ Jirí Bečka, "Problème de l'écriture au Tadjikistan", in *Pand-o Sokhan: Mélanges offerts à C-H. de Fouchécour*, Téhéran 1995, pp. 43-51

۲) اصلاحات در دو جزوه به نام قاعده‌های اساسی املاي زبان ادبی تاجیک (دوشنبه ۱۹۵۳ و ۱۹۷۳) منتشر شد. بر مبنای هر یک از این دو جزوه، فرهنگ راه‌نمایی برای دانش‌آموزان تدوین شد: لغت آرتاگرافی [orthography] (دوشنبه ۱۹۵۹) حاوی ۱۶ هزار لغت و عبارت؛ عبدالقادر منبائوف و عبدالستار میرزائف، لغت املا (دوشنبه ۱۹۹۱) حاوی ۳۰ هزار لغت و عبارت. همه تألیف‌های تاجیکی مورد اشاره این مقاله به خط تاجیکی است.

بررسی می‌شود.^۲ برای نشان دادن صورت مکتوب تاجیکی، از الفبای لاتینی تاجیکی، که در دهه ۱۹۳۰ رایج بود، استفاده می‌شود.^۳ تفاوت املاهای لاتینی و سیریلیک در جای خود یادآوری خواهد شد. از آنجا که این بررسی در چارچوب خط و زبان فارسی است، از اصطلاحات زبان‌شناسی بی‌نیاز می‌شویم و همان اصطلاحات آشنای فارسی - کسره و ضمه و فتحه، الف و همزه، یاء و واو معروف یا مجهول و جز آن - را به کار می‌بریم. در گفت و گو از اصالت مصوت‌های معروف و مجهول، به تلفظ اصیل فارسی دری و پهلوی توجه خواهد شد.^۴ این تحقیق بر استقرای چندین ساله نگارنده از کتاب‌ها و مطبوعات تاجیکستان و نیز مراجع زیر مبتنی است: فرهنگ زبان تاجیکی (۲ جلد، مسکو ۱۹۶۹)،^۵ قاعده‌های اساسی املاي زبان ادبی تاجیک (دوشنبه، ۱۹۷۲) و لغت املا (دوشنبه، ۱۹۹۱). کلمات روسی دخیل در فارسی تاجیکی بیرون از مبحث حاضر است.

۱ الفبا

الفبای سیریلیک و لاتینی تاجیکی در جدول ۳ خلاصه شده است.

۱-۱ الفبای لاتینی تاجیکی، در سال‌های آخر رواجش، ۳۱ حرف داشت. برای آوایی که متناظر آنها در خط لاتینی وجود ندارد (ج، ش، ژ، مصوت‌های بلند)، با افزودن نشانه‌ای بر حروف موجود لاتینی، پنج حرف تازه ساخته بودند. حرف تازه‌ای نیز برای «غ» وضع شده بود.

۲-۱ الفبای سیریلیک تاجیکی ۳۹ حرف، یعنی ۸ حرف بیش از الفبای لاتینی

(۳) تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون، چنین مطالعه‌ای صورت نگرفته است. آنچه درباره خط و املا در تاجیکستان منتشر شده در جهت ترویج نگارش صحیح بوده و برای کسانی فراهم آمده که با خط فارسی آشنایی نداشتند.

(۴) به جز دو مورد زیر: ڄ نشانه ڄ؛ b به جای B (کوچک) که به شکل B (بزرگ) اما ریزتر نوشته می‌شد.

(۵) مرجع این مقاله در تلفظ پهلوی کلمات:

D. N. MacKenzie, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, 1971.

(۶) این فرهنگ به ضبط تلفظ قدیم کلمات گرایش دارد، گو این که زبان زنده از نظر مدونان آن پوشیده نمانده است در استفاده از آن، به این امر توجه شده است. - مقاله نگارنده

"Farhang-e zabān-e tājīkī", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 8, forthcoming.

تاجیکی، دارد. از این ۸ حرف، ۳ حرف ویژه کلمات مأخوذ از روسی است و در سال‌های اخیر از رواج افتاده است. پنج حرف دیگر را نیز این روزها کمتر به کار می‌برند زیرا به آنها نیازی نیست. وجود این حروف در الفبای تاجیکی از آن جاست که واضعان خط می‌خواسته‌اند کلیه حروف الفبای روسی را دریافت خط تاجیکی به مصرف برسانند (← ۵). در این خط نیز ۶ حرف تازه (ج، غ، ق، ه، و دو مصوت بلند)، با افزودن نشانه بر حروف متعارف روسی، وضع شد.

صامت‌ها ۲

در جدول ۲ صامت‌های لاتینی و سیریلیک تاجیکی و فارسی با هم مطابقت داده‌اند.

حروف z, t, s, h, و '، هر کدام، بر بیش از یک نشانه صامت الفبای فارسی دلالت دارند. بدین سان، خط تاجیکی هشت نشانه صامت کمتر از خط فارسی دارد.

چون در لهجه تاجیکی تلفظ ق با غ فرق دارد، برای هر کدام حرف جداگانه‌ای اختیار شده است.

علامت «'» نماینده ع/همزه در وسط یا آخر کلمه است: ra's (رأس)، qur'a (قرعه)، a'mol (اعمال)، çuz (جزء)، tab' (طبع).

هرگاه ع/همزه در اول کلمه یا میان دو مصوت قرار گیرد، در خط تاجیکی نوشته نمی‌شود: amal (امل، عمل)، maorif (معارف)، taaruz (تعرض)، said (سعید)، manbai ob (منبع آب).

تشدید صامت آخر معمولاً به کتابت در نمی‌آید: xat (خط)، sir (سِر). اما، در ترکیب، کتابت حرف مشدد منوط به سنت تلفظ است: xati rost (خط راست)، xatu xol (خط و خال)، kitobi xatti (کتاب خطی)، sirri nihon (سر نهان).

خوشه صامت nb، به رغم تلفظ آن (/mb/)، همان nb نوشته می‌شود: anbar (عنبر).

۳ مصوت‌ها

در جدول ۲، دستگاه مصوت‌های تاجیکی، هم در خط و هم در تلفظ، با فارسی کنونی ایران (تهران) و فارسی کلاسیک/ پهلوی مطابقت یافته است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در تلفظ، فارسی تاجیکی به فارسی کلاسیک نزدیک‌تر است تا به فارسی رسمی ایران. در خط تاجیکی، نشانه‌های a و o و õ و ĩ و e هر یک نماینده مصوت مستقلی است. اما نشانه‌های u و i هر کدام نماینده دو مصوت کوتاه و بلند است (بنگرید به زیر) که کیفیت ادای آنها متشابه است؛ اما کشش (امتداد) آنها با هم فرق دارد.^۷ سبب عدم تفکیک مصوت‌های بلند و کوتاه در خط ظاهراً صرفه‌جویی در کاربرد علامت «-» در بالای حرف میانی بوده است.^۸

۱-۳ a = فتحه، های بیان حرکت: arbada (عریده).

۲-۳ o = الف کشیده (آ/ا): obodon (آبادان).

۳-۳ u = ضمّه، واو معروف.

۱-۳-۳ ضمه: ulfat (الفت)، uzv (عضو)، buzurg (بزرگ).

۲-۳-۳ واو معروف:

در کلمات عربی: umum (عموم)، ur (عور)، amud (عمود).

در کلمات فارسی: zud (زود)، farmud (فرمود)، sutun (ستون).

در آخر کلمه: bonu (بانو)، tarozu (ترازو)، çodu (جادو)، doru (دارو)، zonu (زانو)^۹، olu (آلو)، kadu (کدو)، moku (ماکو).

۳-۳-۳ ابدال واو مجهول اصیل به u: uftod (اوتفاد)^{۱۱}، edun (ایدون)^{۱۲}، berun (بیرون)^{۱۳}،

xun (خون)^{۱۴}، du (دو)^{۱۵}، sutur (ستور)^{۱۶}، menu (مینو)^{۱۷}.

(۷) بر خلاف فارسی رسمی ایران که، در آن، e با ĩ و o با õ جز تفاوت کمی (کشش)، فرق کیفی نیز دارند، یعنی مخارج آنها متفاوت است.

(۸) در آخر کلمه، یای معلوم به صورت ĩ نوشته می‌شود.

(۹) الف کشیده در فارسی تاجیکی کمابیش همان تلفظی را داراست که در ایران رایج است: نهایت آن که عموماً قدری گردتر ادا می‌شود. (۱۰) این کلمات در پهلوی به õg- ختم می‌شوند.

(۱۱) در پهلوی: õftād (۱۲) در پهلوی: ēdōn (۱۳) در پهلوی: bērōn (۱۴) در پهلوی: xōn

(۱۵) در پهلوی: dō (۱۶) در پهلوی: stōr (۱۷) در پهلوی: mēnōg

- ۴-۳-۳ ابدال به $/x^v/$: xud (خود)^{۱۸}، xuš (خوش)^{۱۹}. برای موارد استثنا ← ۳-۴-۳
- ۴-۳ = و او مجهول. خط تاجیکی اصالت و او مجهول را در بیشتر کلمات نشان می دهد.^{۲۰}
- \bar{n} (از)، būr (بور)، būston (بوستان)، bū(j) (بوی)، pūst (پوست)، pūšok (پوشاک)، çorūb (چاروب)، çō(j) (جوی)، cūb (چوب)، dūxt (دوخت)، rūfturūb (روفت و روب)، rō(j) (روی)، šō(j) (شوی)، guftugū (گفت و گو)، gulū (گلو)، gū (گو)، gūšt (گوشت)، mū(j) (موی)، rūz (روز).
- نیز در: būta (بوتہ)، būsa (بوسہ)، kūtoh (کوتاہ)، zambūr (زنبور).
- ۱-۴-۳ در هجاهای بسته مختوم به $/h/$ یا $/h/$ (یعنی پیش از ه، ح، ع یا همزه ساکن) به جای u (ضمه، و او معروف) \bar{n} نوشته می شود.^{۲۱} \bar{n} çuba (اعجوبه)، anbhū (انبوه)، zūhra (زهره)، sūhbat (صحبت)، tulū (طلوع)، ūhda (عهده)، mū'tabar (معتبر)، nūh (نه). هر گاه، به موجب پسوندی، نشانه « \bar{n} » حذف شود (← ۲-۳-۱)، \bar{n} باقی می ماند: tulū oftob (طلوع آفتاب).
- ۲-۴-۳ به جز آنچه دربند پیشین آمد، کاربرد \bar{n} در آغاز کلمه به لغات مأخوذ از ترکی منحصر می شود: ūrdak (اردک)، ūzbek (ازبک)، ūrdu (اردو).
- ۳-۴-۳ ابدال $/x^v/$ به $/xū/$: xūça (خوجه)، xūrdan (خوردن)^{۲۲}.
- ۵-۳ = کسره، یای معروف.
- ۱-۵-۳ کسره: ijolat (ایالت)^{۲۳}، izofa (اضافه)، iona (اعانه)، biraft (برفت)، doim (دائم)، sirışk (سرشک)، foil (فاعل)، kilk (کلک).
- کسره نشانه اضافه: rohi rost (راه راست)، suiқasd (سوء قصد).
- ۲-۵-۳ یاء معروف: به جز چند استثنا، i فقط در وسط کلمه برای نمایش یای معروف

۱۸) در پهلوی: xwad (۱۹) در پهلوی: xwaš

۲۰) اما تمایز و او مجهول و او معروف بیشتر در گفتار فارسی زبانان جلگه قرغانه و نواحی بخارا و سمرقند و جلگه های جنوب تاجیکستان شنیده می شود، آن هم با کیفیتی دیگر (گاه مانند \bar{n} در زبان فرانسه) و در مواردی کوتاه (ناکشیده). ۲۱) ظاهراً به دلیل ویژگی تلفظ. ۲۲) در پهلوی: xwardan

۲۳) ajolat هم نوشته می شود.

به کار می رود^{۲۳}

pir (پیر)، pil (پیل)، zirak (زیرک)، zist (زیست)، guzir (گزیر)، niz (نیز).

- از جمله در ساختن مادۀ جعلی فعل: rasid (رسید)، xandid (خندید)^{۲۵}.
- هرگاه کلمه‌ای به -ī ختم شود، در صرف یا ترکیب، ā به ī تبدیل می‌شود (→ به حرف ā).
- در مواردی، یای معروف اول کلمه با ī نوشته می‌شود^{۲۶}: ido' (ایداع)، izo (ایذا)، isol (ایصال)، ifo (ایفا)، iqo' (ایقاع)، iqon (ایقان)، imo' (ایماء)، imon (ایمان)، ihom (ایهام).
- ابدال یای مجهول اصیل به ī: bino (بینا)^{۲۷}، pirūz (پیروز)^{۲۸}، sim (سیم)^{۲۹}، kin (کین)^{۳۰}، navid (نوید)^{۳۱}، nim (نیم)^{۳۲}، in (این)^{۳۳}، ist (ایست، است)^{۳۴}، inak (اینک).

از جمله در پسوند صفت نسبی: zarrin (زرّین)^{۳۵}

۳-۵-۳ حروف ربط «که» و «چه» را نیز با همین حرف می‌نویسند: ci، ki.

۴-۵-۳ به جای خوشۀ zi (بی) تنها ī می‌نویسند^{۳۶}: afzoiš (افزایش)، poidan (پاییدن)، naiston (نیستان).

از جمله کسرۀ اضافه (نشانه اضافه) متصل به مصوّت را: xonai mo (خانه ما).

۵-۵-۳ در مواردی ī را به دو گونه هم معنی می‌توان خواند: digar (دگر، دیگر)، istod (استاد، ایستاد).

۶-۵-۳ نقش دوگانه ī (کسرۀ و یای معروف) گاه منجر به خطا در خواندن می‌شود: bino (بنا، بینا)، sir (سیر، سعید، سید).

۶-۳ ī = یای معروف آخر. این حرف فقط در پایان کلمه به کار می‌رود^{۳۷}: xolī (خالی)، tūtī (طوطی)، olī (عالی)، mohī (ماهی).

۲۴) برای یای معروف اول و آخر کلمه، حروف e و ā.

۲۶) نیز - ۳-۴-۷.

۲۵) در بهلوی هم پسوند ماضی جعلی ساز -īd است.

۲۹) در بهلوی: sēm

۲۸) در بهلوی: pērōz

۲۷) در بهلوی: wēnāg

۳۲) در بهلوی: nēm

۳۱) در بهلوی: niwē؛ در فارسی دری: nuvəd

۳۰) در بهلوی: kēn

۳۵) در بهلوی: zarrēn

۳۴) در بهلوی: st

۳۳) در بهلوی: ēn/īm

۳۶) در خط لاتینی همان ā می‌نوشتند. در سال‌های اخیر نیز ā می‌نویسند.

۳۷) علت وجودی این نشانه ظاهراً تفکیک میان کسرۀ اضافه، از یکسو، و پسوند اسم و صفت‌ساز، از سوی دیگر، بوده که در زبان فارسی کاربرد فراوان دارند. با دیدن نشانه ā در آخر کلمه خواننده تاجیک تأکید را بر هجای آخر می‌نهد و بدین‌سان تمایز معنایی حاصل می‌شود؛ مثلاً: rōhi mo (راه ما، تکیه بر هجای نخست)، rōhi šud (راهی شد؛ تکیه بر هجای آخر).

از جمله در موارد ذیل:

- اسم معنی^{۳۸}: zori (زاری)، serī (سوری).
- برای ساختن صفت^{۳۹}: xonagī (خانگی)، rudakī (رودکی)، forsī (فارسی).
- برای شناسهٔ دوم شخص مفرد^{۴۰}: serī (سیری)، raftaī، raftī (رفته‌ای)، raftī (رفتی)^{۴۱}، ravī (روی)^{۴۲}.

۱-۶-۳ به جای خوشهٔ *ī* تنها *ī* می‌نویسند^{۴۳}: xušbūī (خوش بویی)، zeboī (زیبایی).

۲-۶-۳ هر گاه کلمهٔ مختوم به *-ī* پسوندی بگیرد، *ī* به *i* تبدیل می‌شود، از جمله پسوندهای ذیل:

کسرهٔ اضافه (نشانهٔ اضافه): Rudakii Samarqandī (رودکی سمرقندی)؛

یاء نکره: mohie (ماهی‌ای)؛

علامت جمع: mohiho (ماهی‌ها)؛

علامت مفعول بی‌واسطه: mohiro (ماهی‌را)؛

واو عطف: mohiju moh (ماهی و ماه).

نیز در ترکیب و صرف فعل: sohibof (شاهی باف)، forsizaban (فارسی‌زبان)، zist (زیست)؛ اما: der zī! (دیرزی!).

۳-۶-۳ ابدال یای مجهول اصیل: *ī* (چی = چه چیز)^{۴۴}، *kī* (کی)^{۴۵}، شناسهٔ دوم شخص مفرد (- بالا).

۷-۳ *e* = یای مجهول^{۴۶}. در تلفظ و کتابت فارسی تاجیکی، بیشترین یاهای مجهول حفظ شده است:

beob (بی‌آب)، bed (بید)، reg (ریگ)، zebo (زیبا)، zer (زیر)، mehan (میهن)، veža (ویزه)، seb (سیب)؛ نیز: teppa (تپه)، dareg (دریغ).

(۳۸) معادل *-ī* پهلوی

(۳۹) معادل *-īg/-īk* پهلوی

(۴۰) این جا ابدال از یای مجهول صورت گرفته. (۴۱) در پهلوی: raft hē

(۴۲) در پهلوی: rawē(h)

(۴۳) در خط لاتینی همان *ī* می‌نوشتند. در سال‌های اخیر نیز *ī* می‌نویسند. (۴۴) در پهلوی: cē

(۴۵) در پهلوی: kē (۴۶) در خط سیریلیک تاجیکی، *ī* در آغاز کلمه به جای *e* می‌نشیند.

نیز در پیشوند استمرار: meravad (می‌رود)؛ شناسه اول شخص جمع: ravem (رویم)؛ شناسه دوم شخص جمع: meraved (می‌روید)، oed (آید!).

۱-۷-۳ یای نکره^{۴۷}: sebe (سیبی)، gohe (گاهی).

در کلمات مختوم به مصوّت e نوشته و je خوانده می‌شود: nae (نی‌ای)، mohie (ماهی‌ای)، bīe (بویی).

۲-۷-۳ در آخر کلمه: ore (آری)، bale (بلی، بله)، se (سه)، şanbe (شنبه)، ne (نی، نه).

۳-۷-۳ در هجاهای بسته مختوم به /h/ یا /ʃ/ (یعنی پیش از ه، ح، ع یا همزه ساکن) به جای i (کسره، یای معروف) e نوشته می‌شود:

bade' (بدیع)، bineh! (بنه!)، beh (به)، Tehron (تهران)، deh! (ده!)، dehlez (دهلیز)^{۴۸}، zehn (ذهن)، fe'l (فعل)، me'mor (معمار)، mehr (مهر)، voqe' (واقع).
در آغاز کلمه: e'tilof (اتلاف)، ehtimol (احتمال)، e'tidol (اعتدال).

○ بنا بر این، برخی کلمات را می‌توان به دو گونه هم معنی خواند: deh^{۴۹} (ده، دَیه) = [روستا]، mehmon (مهمان، میهمان).

○ هر گاه، در ترکیب، هجای بسته به هجای باز برگردد، حرف e هم چنان باقی می‌ماند: bade' - badei (بدیع - بدیعی)، deh - dehot (د - دهات)، mone' - monee hast (مانع - مانعی هست)، mavqe' - mavqei muborak (موقع - موقع مبارک)، voqe' - voqea (واقع - واقعه).

○ اما، در صرف افعال، املائی ماده می‌تواند تغییر یابد: dihiş - diham, dihiş - diham (ده - دهم، دهش - دهش)، neh - menihad, nihod (نه - می‌نهد، نهاد).

۴-۷-۳ در ثبت الف و یای آغاز کلمه گرایش به کتابت e به چشم می‌خورد:

در کلمات فارسی: ec (ایچ)^{۵۰}، edar (ایدر)^{۵۱}، edun (ایدون)^{۵۲}، Eron (ایران)^{۵۳}، ezor

۴۷) تمایز یای نکره (e) و یای پسوند اسم و صفت‌ساز (i)، هم در خط و هم در تلفظ تاجیکی، آشکار است؛ برخلاف فارسی ایران که این تمایز با تغییر هجای تکیه‌دار پیدا می‌شود: sohe (شاهی = یک شاه)، sohi (شاهی = سلطنت).
۴۸) dahlez هم می‌نویسند.

۵۰) در پهلوی: ēc (۵۱) در پهلوی: ēdar

۵۲) در فرهنگ، تلفظ‌های ajdun/ejdun/idun هم ضبط شده. در پهلوی: ēdōn.

۵۳) در پهلوی: Ērān. در سال‌های اخیر، برخی تاجیکان Iron نویسند، به تقلید از لهجه ایرانیان.

(ایزار)، ezid (ایزد) ^{۵۴}، ešon (ایشان) ^{۵۵}، evor (ایوار) ^{۵۶}؛ اما: in (این) ^{۵۷}، inak (اینک)، irmon (ایرمان/ارمان).

در کلمات ترکی: el (ایل)، elē (ایلچی)، elxon (ایلخان)؛ اما: ilğor (ایلغار).
در کلمات عربی ^{۵۸}: esor (ایثار) ^{۵۹}، ešob (ایجاب) ^{۶۰}، ešod (ایجاد)، ešoz (ایجاز)، erod (ایراد)، ezoh (ایضاح)، emin (ایمن) ^{۶۱}

۳-۷-۵ ابدال یای معروف اصیل: ureb (اوریب)، meros (میراث)، datel (دلیل).

۳-۷-۶ ابدال مصوّت مرکب اصیل: perost ^{۶۲} (پیراست)، xele (خیلی)، sel ^{۶۳} (سیل).

۴ مصوّت‌های مرکب

۴-۱ واو پس از فتحه با av نمایش داده می‌شود:
davron (دوران)، gav (گو)، mav (مو)، mavc (موج)، navrüz (نوروز)، navin (نوبین).
تلفظ: هر گاه پس از av صامت بیاید (یا هیچ نیاید)، /aw/ و، هر گاه مصوّت بیاید، /av/ خوانده می‌شود ^{۶۴}.

۴-۱-۱ ابدال واو مجهول: avboridan (اوباریدن) ^{۶۵}، savsan (سوسن) ^{۶۶}، savgand (سوگند) ^{۶۷}.

۴-۲ یای پس از فتحه با aj نمایش داده می‌شود: pajdo (پیدا)، kaj (کی)، majdon (میدان)، naj (نی).

۵۴) در پهلوی: yazad išon (۵۵) هم می‌نویسند. در پهلوی öyšān/awēšān.

۵۶) در پهلوی: ēbārag ēn/im (۵۷) در پهلوی.

۵۸) نیز ۳-۵-۲. چنانکه ملاحظه می‌شود، در واژه‌های عربی شاهد مثال، به جای یای معروف یای مجهول نوشته و تلفظ می‌شود. واضعان املاّی تاجیک ظاهراً تلفظ رایج کلمات را اساس کتابت قرار داده‌اند. گویا قاعده مذکور در بند ۳-۷-۳، که نمونه‌های آن در آغاز کلمه بسیار است (← لغت املا، ص ۳۲۲)، عمومیت یافته باشد.

۵۹) در فرهنگ isor هم آمده. ۶۰) در فرهنگ iğob هم آمده.

۶۱) در فرهنگ ejmin/ejman هم آمده. ۶۲) در پهلوی: payrāst.

۶۳) ولی stjz هم می‌نویسند.

۶۴) این مصوّت مرکب در فارسی رسمی ایران /ow/ و /ov/ تلفظ می‌شود. ۶۵) در پهلوی. öbārdan.

۶۶) در پهلوی: sōsan (۶۷) در پهلوی: sōgand.

۱-۲-۴ ابدال یای مجهول: pušajmon (پشیمان)^{۶۸}، najrang (نیرنگ)^{۶۹}، najza (نیزه)^{۷۰}، vajron (ویران)^{۷۱}

۵ حروف ویژه الفبای سیریلیک

۱-۵ درباره حرف э در بند ۳-۷ گفت وگو شد.

۲-۵ حروف «یات بر سر». در خط سیریلیک تاجیکی سه نشانه ъ و я و ю به جای خوشه‌های: jo (یا) و ja (ی) و љ (ی / یو) خط لاتینی به کار می‌رود؛ به دو منظور: یکی کوتاه‌نویسی و دیگر مصرف غیرضروری حروف روسی. در سال‌های اخیر، به جای نشانه‌های مذکور، از ترکیبات яу/юу، яа، юо استفاده می‌شود.

۳-۵ نشانه مکث ъ^{۷۲} میان صامت ساکن و یای حرکت دار می‌آید:

афъюн (افیون)، Бүрбө (بوریا)، Бисъёр (بسیار)، тағбир (تغییر)، тақвья (تکیه)، чорьяк (چاریک)، даръё (دریا)، рохъёбӣ (راه یابی)، гирья (گریه).

۴-۵ حروف مخصوص کلمات مأخوذ از روسی: Ё (نوعی «ای»)، Ц (ت + س)، Ш (ش + چ).

۶ پیوسته و جدانویسی

پیوسته یا جدا نوشتن کلمات و عبارات موضوعی دامنه‌دار و بحث‌انگیز بوده است. در اینجا فقط به چند نمونه واجد ارزش زبان‌شناختی اشاره می‌شود.

۱-۶ نشانه‌های جمع و مفعول بی‌واسطه همیشه پیوسته نوشته می‌شوند، گویی که نقش پسوندهای تصریف نام (اسم و صفت و ضمیر) را دارند.

۶۹) در بهلولی: nērang

۶۸) در بهلولی: pašēmān

۷۰) در بهلولی: nēzag (۷۱) در بهلولی: awērān

۷۲) در فارسی تاجیکی، به این نشانه «علامت جدایی» می‌گویند. در کلمات مأخوذ از روسی حکم علامت «نرمی» را دارد.

۲-۶ واو عطف، بسته به مقام آن در ترکیب و تا حدودی ترجیح نویسنده، چنگگونه کتابت می پذیرد:

Zolu Rūdoba, Xisravu Şirin, Lajliu Majnun va Azrovu Vomiq

(زال و رودابه، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و عذرا و وامق).

۱-۲-۶ از دو ماده فعلی یک کلمه می سازد:

xaridufuruş	(خرید و فروش)
guftuşunid	(گفت و شنید)
girudor	(گیر و دار)

۲-۲-۶ از اجزائی که معنی اصلی خود را در ترکیب حفظ نمی کنند، کلمه واحد می سازد:

sarutan	(سرو تن)
sarukor	(سرو کار)
sarulibos	(سرو لباس)
obutob	(آب و تاب)

۳-۲-۶ ترکیبات مترادف یا متضاد جدا نوشته می شوند:

obu havo	اسمی: (آب و هوا)
tobu toqat	(تاب و طاقت)
obu otaş	(آب و آتش)

xušobu havo	(خوش آب و هوا)	صفتی:
(بی تاب و طاقت)	betobu toqat	
(سرخ و سفید)	surxu safed	

۳-۶ ترکیبات اسمی یا صفتی. پیوسته نویسی در خط تاجیکی به انسجام ترکیبات کمک می کند. گاه می توان کلمه های بلندی ساخت که غیرطبیعی به نظر نمی رسند. اما، برای سرهم نویسی، محدودیت هایی هم قایل شده اند. اکنون چند نمونه:

۱-۳-۶ اسم مرکب مختوم به ی:

xuşmuomilagī	(خوش معاملگی)
saŋgiosijotarošī	(سنگ آسیاتراشی)
zambūriasalparvarī	(زنبور عسل پروری)

۲-۳-۶ صفت مرکب و گروه وصفی

haftodu cor sol – haftoducorsola	(هفتاد و چار ساله)
peş az intixobot – peşazintixobotī	(پیش از انتخاباتی)

۳-۳-۶ ترکیب صفت (مقدم) و موصوف:

xoki sijoh – sijohxok	(سیاه خاک)
gājrisijohxok	(غیر سیاه خاک)
gājrisijohxokzamin	(= زمین غیر سیاه خاک)
haftahazorucorsadsolaustuxon	(= استخوان هفت هزار و چار صد ساله)

۴-۶ فعل و ترکیبات فعلی.

۱-۴-۶ اجزای تصریفی و اکثر پیشوندها پیوسته نوشته می شوند:

boznagaštaed	(باز نگشته‌اید)
nameomadaast	(نمی آمده است)

۲-۴-۶ صفت فاعلی و مفعولی مرکب از دو کلمه پیوسته و مرکب از بیش از دو کلمه

جدا نوشته می شود:

tamomkunanda	(تمام کننده)
tamomşuda	(تمام شده)
ba ançom rasida	(به انجام رسیده)
içro karda şuda	(اجرا کرده شده)
suporiş doda şuda	(سپارش داده شده)

۳-۴-۶ اجزای عبارت فعلی جدا اما اسم مؤسس بر آن سرهم نوشته می شود:

ba hisob girftan – bahisobgiri	(به حساب‌گیری)
az bar kardan – azbarkunon	(از برکنان)
az nazar guzarondan – aznazarguzaronī	(از نظر گذرایی)
az nav tartib dodān – aznavtartibdihi	(از نو ترتیب‌دهی)
dast ba girebon şudan – dastbagirebonşavanda	(دست به گریبان شونده)

جدول ۱. مطابقت نشانه‌های صامت الفبای لاتینی و سیریلیک تاجیکی و فارسی

فارسی	سیریلیک	لاتینی	فارسی	سیریلیک	لاتینی	فارسی	سیریلیک	لاتینی
س. ص. ث	С	S	ب	Й	J	ش	Щ	Ş
ت. ط	Т	T	ج	Л	L	و	В	V
خ	Х	X	د	М	M	ن	Н	N
ز. ذ. ض. ظ	З	Z	ف	Н	N	پ	Л	P
ز	Ж	Ž	غ	К	Q	ق	К	K
ع. همزه	Ъ	'	ح. ه	Р	R	ر	Р	R

جدول ۲. مطابقت مصوت‌های ساده و مرکب (خلاصه)

نشانه خطی		تلفظ	
لاتینی تاجیکی	سیریلیک تاجیکی	فارسی	فارسی کلاسیک / پهلوی
a	а	فتحه	a
o	о	آ	ā
u	у	ضمه	u
u	у	و (معروف)	ū
ū ^۳	ӯ ^۳	و (مجهول)	ū
i	и	کسره	e
i ^۳	и й ^۳	ی (معروف)	ī
e و e ^۶	e ^۵ e ^۷	ی (مجهول)	ī
av	ав	فتحه + و	aw ^۸
aj	аӢ	فتحه + ی	ay

۱) از گونهٔ o صرف نظر شد. ۲) از گونهٔ e صرف نظر شد.

۳) در هجاهای بستهٔ مختوم به /h/ یا // به جای واو معروف و همزه به کار می‌رود.

۴) فقط در پایان کلمه. ۵) در هجاهای بستهٔ مختوم /h/ یا // به جای i (بای معروف و کسره) به

کار می‌رود. ۶) در آغاز کلمه، برای نشان دادن «ای» (بای مجهول یا معروف) به کار می‌رود.

۷) فقط در آغاز کلمه می‌آید، به جای e. ۸) پیش از مصوت، /av/ خوانده می‌شود.

۹) پیش از مصوت، /ov/ یا /av/ خوانده می‌شود.

جدول ۳. الفبای سیریلیک تاجیکی و معادل آنها در الفبای لاتینی تاجیکی و خط فارسی (خلاصه).

سیریلیک	لاتینی	فارسی	سیریلیک	لاتینی	فارسی	سیریلیک	لاتینی	فارسی
А	A	آ، آ، آه	М	M	م	*Щ	Ş + C	ش + چ
Б	B	ب	Н	N	ن	Ъ	'	ع، ء
В	V	و	О	O	آ	Ь	—	(علامت مکث)
Г	G	گ	П	P	پ	*Ы	I	—
Д	D	د	Р	R	ر	Э	E	ا، /!
Е	E	ی (مجهول)	С	S	س، ص، ث	Ю	J+U	ی + و / اُ
Ё	J+O	ی + ا	Т	T	ت، ط	Я	J+A	ی + ش
Ж	Z	ز	У	U	اُ، و (معروف)	Ғ	ғ	غ
З	Z	ز، ذ، ض، ظ	Ф	F	ف	Й	I	ی (معروف)
И	I	ا، آ، ی (معروف)	Х	X	خ	Қ	Q	ق
Й	J	ی	*Ц	T+S	ت + س	Ү	Ü	و (مجهول)
К	K	ک	Ч	C	چ	Х	H	ح، ه
Л	L	ل	Щ	Ş	ش	Ҷ	Ç	ج

* فقط در کلمات مأخوذ از روسی به کار می رود.

پروژه ملی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

